Review
Journal of Medical Council of Iran, Volume 43, Issue 4, 2025
https://doi.org/10.22034/43.4.33

Medicine in Rabe Rashidi Hospital and the Influence of China on It

Nadereh Zakariazadeh[1], Masoumeh Qara Daghi[2]*, Nazli Eskandari Nejad[2], Ali Akbar Velayati[3]

[1] Student of History, Department of History, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran
[2] Assistant Professor, Department of History, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran
[3] Professor, Department of Pediatric Infectious Disease, Mycobacteriology Research Center, National Research Institute of Tuberculosis and Lung Diseases (NRTILD), Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

*** Corresponding Author**
Department of History, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran
Email: Masomehgharadaghi@iau.ac.ir

Received: Jun 01 2025
Accepted: Sep 06 2025

Citation to this article
Zakariazadeh N, Qara Daghi M, Eskandari Nejad N, Velayati AA. Medicine in Rabe Rashidi Hospital and the Influence of China on It. *J Med Counc of Iran.* 2025;43(4):33-44.

Abstract

Khwaja Rashid al-Din Fazlullah Hamadani (648-718 AH) was one of the most educated and elite officials of the Mongol period. Due to his medical profession, Khwaja Rashid al-Din paid special attention to the establishment of hospitals in Tabriz and other cities such as Hamedan. This research aims to identify the Rabe Rashidi Hospital and the Khwaja's use of skilled physicians, Chinese medicine, medicines, and essential oils for treatment.

The present study is descriptive-analytical. First, information was collected through literature review, and then data analysis was carried out.

Khwaja, as a skilled physician, made great efforts in the establishment of Rabe Rashidi, which was a scientific and educational organization. Doctors did not only deal with medical matters, but were also engaged in education and teaching. Due to the connection with China, attention was paid to Chinese medicine as one of the advanced sciences in Rabe Rashidi, which was taught practically and theoretically. Chinese books on this subject were translated and Chinese medicines were used in the treatment of patients in Rashidiyeh.

Conclusion: Rabe Rashidiyeh was considered one of the prestigious medical institutions during the Mongol period. The method of teaching medicine in this place was unprecedented until then. For the first time, we are witnessing an organized system of what is common in medical schools today.

Keywords: Rabe Rashidiyeh, Dar al-Shifa, Tabib, Khwaja Rashid al-Din Hamedani, Chinese medicine

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-11-29]

[DOI: https://doi.org/10.22034/43.4.33]

Copyright 2025, Journal of Medical Council of Iran.
This work is licensed under a Creative Commons Attribution–NonCommercial 4.0 International License.

Journal of Medical Council of Iran, Volume 43, Issue 4, 2025
https://doi.org/10.22034/43.4.33

مقاله مروری

طبابت در بیمارستان ربع رشیدی وتاثیر چین بر آن

نادره ذکریازاده[1]، معصومه قره داغی[3]*، نازلی اسکندری نژاد[2]، علی اکبر ولایتی[3]

[1] دانشجوی گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران
[2] استادیار، گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران
[3] استاد، گروه عفونی کودکان، مرکز تحقیقات مایکوباکتریولوژی، پژوهشکده سل و بیماری‌های ریوی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

*** نشانی نویسنده مسئول:**
گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

نشانی الکترونیک:
Masomehgharadaghi@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵

چکیده

خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی (۷۱۸-۶۴۸ه-ق) ازکارگزاران فرهیخته ونخبه دوره مغول می باشد.خواجه رشیدالدین به سبب شغل طبابت در تاسیس بیمارستان در تبریز ودیگر شهرها چون همدان توجه وعنایت ویژه ای داشت. این تحقیق شناخت دارالشفای ربع رشیدی و استفاده خواجه ازطبیبان حاذق و پزشکی چینی و داروها وروغن های لازم برای معالجه می باشد.

مطالعه حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی می باشد.ابتدا اطلاعات و مطالب به صورت کتابخانه ای از کتابهای مورد نیاز و منابع الکترونیک جمع آوری و سپس به تجزیه وتحلیل داده ها اقدام شد.

خواجه به عنوان طبیبی حاذق در تاسیس ربع رشیدی که سازمانی علمی و آموزشی بود، تلاش های وافری انجام داد. پزشکان تنها به امور درمانی نمی پرداختند بلکه به آموزش و تدریس نیز مشغول بودند. به سبب ارتباط با چین، توجه به طبابت چینی به عنوان یکی از دانش های پیشرفته در ربع رشیدی به صورت عملی و نظری آموزش داده می شد. کتاب های چینی دراین زمینه ترجمه و از داروهای چینی در معالجه بیماران در رشیدیه بهره گرفته می شد.

نتیجه گیری: ربع رشیدی از موسسه های معتبر پزشکی در دوره مغول محسوب می شد. شیوه تعلیم طبابت در این محل تا آن زمان در جایی سابقه نداشت و برای اولین بار شاهد یک سیستم سازمان یافته، همانند آنچه که امروزه در دانشکده های پزشکی معمول است، می باشیم.

کلمات کلیدی: ربع رشیدیه، دارالشفا، طبیب، خواجه رشیدالدین همدانی، پزشکی چینی

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-11-29]

[DOI: https://doi.org/10.22034/43.4.33]

Copyright 2025, Journal of Medical Council of Iran.
This work is licensed under a Creative Commons Attribution–NonCommercial 4.0 International License.

مقدمه

از جمله عوامل مهم رشد و شکوفایی تمدن اسلامی و پیشرفت‌های علمی، نظام‌یافتن و برنامه‌ریزی‌های صحیح در امر تعلیم و تربیت و پژوهش می باشد. حمایت مادی و معنوی از علما و دانشمندان و به وجود آمدن مراکز بزرگ علمی از دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، رصدخانه‌ها در پوشش نهادهای بزرگ وقفی، اسباب این مهم را فراهم می‌کرد. ربع رشیدی بخشی از شهرستان رشیدی یا رشید آباد در قرن هشتم هجری قمری توسط خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی بنا گذاشته شد و ازجمله مراکز مهم علمی محسوب می‌شود. محله‌های مسکونی، کارخانه های کاغذسازی، مسجد، حمام ها و... در شهرستان رشید آباد قرار داشت. واقف و بانی آن، خواجه رشید الدین فضل الله همدانی (در برخی منابع رشیدالدوله یا رشیدالحق نیز نامیده شده است)، طبیب و وزیرکاردان، نخبه و از رجال سیاسی بود. ایشان نخست رشیدالدوله نامیده شده بود که پس از قبول اسلام نامش به رشیدالدین تغییر یافت. آموزش در ربع‌رشیدی را می‌توان به بیت التعلیم، آموزش حرفه ای، مدارس عالی، دار الشفاء و خانقاه تقسیم نمود. خواجه به عنوان طبیب به دربار ایلخانان راه یافته و علاوه بر وظیفه پزشکی و حضور دائمی و تقرب نزد خان، متصدی بعضی از امور دیوانی و دولتی گردید. فضل‌الله با استفاده از نفوذ پدر در حدود سی سالگی به عنوان طبیبی حاذق به دربار اباقاخان ایلخان مغول درسال ۶۸۰ قمری پیوست. وی بدلیل اثر فرزانگی و نخبگی خود در دستگاه ایلخانان ترقی و در سال ۶۹۷ قمری به وزارت رسید.

زیست نامه خواجه رشیدالدین فضل الله

خواجه رشیدالدین ابوالفضائل فضل الله بن عماد الدوله ابوالخیر بن موفق الدوله طبیب همدانی (۶۴۸-۷۱۸ ه-ق)، طبیب و وزیر عصر ایلخانی در همدان متولد شد. نیای وی، موفق الدوله از خانواده‌های یهودی طبیب، حکیم و ادیب همدان بود که به همراه برادرش رئیس الدوله که او نیز از پزشکان نامدار بود، در سده هفتم با خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲ ق) دوستان سه‌گانه به شمار می‌آمدند و با هم مدتی در قلاع اسماعیلیان زندگی می‌کردند (۱). پس از آنکه رکن‌الدین خورشاه اسماعیلی در برابر هولاکوخان مغول تسلیم گردید، به صلاحدید خواجه نصیرالدین طوسی خانه دویست ساله را ترک گفت و از قلعه فرود آمد (اوایل ذیقعده ۶۵۴). دوستان سه گانه نیز حوالی قزوین به آمادگاه بزرگ مغولان پیوستند (۱). هولاکو خان آنان را محل عنایت نموده و چون راست دلی و درست کاری ایشان روشن بود، آن برادران طبیب را به خدمت فراخواند تا با خواص و أولاد ملتزم رکاب باشند (۲).

عمادالدوله ابوالخیر، پدر خواجه رشید نیز طبیب بود و خواجه رشید در جوانی به تحصیل علوم و فنون بویژه طب پرداخت و از نوابغ بزرگ مشرق‌زمین و از مفاخر طراز اول دوره ایلخانی شد و علی رغم توطئه های پیوسته توانست چون کوهی استوار بایستد و مصدر خدمات بزرگ برای کشور و مردم باشد. فواد عبدالمعطی، ادیب و مورخ مصری که متخصص تاریخ مغول است، می‌نویسد، تشویق دانشمندان و تکریم ادیبان، منزلتی عالی از برای وی در نزد رجال علم و ادب کسب کرد به نحوی که بطور شایان او را ستوده و کتاب‌های فراوانی به او اهداء نمودند (۳). کشمکش‌ها و تضادهای سیاسی و عقیدتی مخالفان خواجه رشیدالدین بیشتر ناشی از احساس رقابت یا اصطکاک منافع بود. عبدی بیگ شیرازی در حق خواجه رشید همدانی از جمله سروده است:

رشید الحق أن أصف جم جناب

به احسان دلی رغبت انگیز داشت (۴).

خواجه رشیدالدین همدانی طی پانزده سال از وفات اباقاخان از سال ۶۸۰ قمری تا جلوس غازان‌خان درسال ۶۹۴ قمری پزشک رسمی دربار و شخصیتی فرهیخته و برجسته و از احترام فراوانی برخوردار بود و پس از آن در زمان ارغون‌خان بن اقاباخان، رشیدالدین از مقربان گردید و ترقی پیدا کرد. در دوره بیست ساله وزارت خواجه رشید همدانی در سال‌های ۷۱۸-۶۹۷ ه-ق، به سبب اصلاح امور مالی و اداری عمران و آبادی کشور، امنیت و رفاه عمومی رواج یافته و علوم و آداب از ادوار گذشته متمایز گردید. خواجه رشید وزارتش را با سه پادشاه بزرگ ایلخانی، غازان‌خان، اولجایتو و ابوسعید تا اواخر عهد خود، سال ۷۱۸ هجری قمری تصدی نمود و تا واپسین لحظه از اصلاح امور دولت و ترقی حال ملت دست برنداشت (۵). وصاف الحضره در ستایش او گوید همانا مرد بزرگ سده هشتم سال ۷۰۰ قمری بوده است (۶). ابن فضل الله العمری می‌نویسد: اعتماد غازان خان به خواجه رشیدالدین چنان زیاد بود که جز از دست خواجه، خوراک و آشامیدنی نمی‌گرفت. رشیدالدین هر روز در دیگ نقره برای غازان‌خان خوراک می‌پخت (۷).

با توجه به مندرجات مکاتبات رشیدی و با توجه به منابع آن دوران به خصوص وقفنامه ربع رشیدی، می‌توان تصویری روشن از ابعاد گوناگون ربع رشیدی و مسائل دیگر به دست آورد.

بنای رشیدیه و موسسات آن

رشیدالدین فضل الله از کارگزارانی بشمار می‌آید که در حفظ و احیاء فرهنگ و تمدن ایرانی سهم بسزایی دارد. حدود سال هفتصد قمری در سمت شرقی تبریز، دامنه کوه سرخاب که از جایگاه‌های خوب آن شهر بود، خواجه رشید همدانی یک کوی و برزن بزرگ از برای نگهداشت آثار و ماثر خود بنا کرد. "از هر شهری و ثغری جماعتی آوردیم و در ربع مذکور ساکن گردانیدیم" (۸). حمدالله مستوفی می‌نویسد:

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-11-29]

[DOI: https://doi.org/10.22034/43.4.33]

وزیر سعید خواجه رشیدالدین طاب ثراه[1] شهرچه دیگری ساخته و ربع‌رشیدی نام کرده و در او عمارات فراوان و عالی بر آورده و با نام های رشیدآباد و ابواب البر رشیدی نیز شناخته می شد (۹). نادر میرزا در کتاب تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز می‌نویسد: "باکمال دقت عمارت شده، متین و استوار..." (۱۰).

این مجتمع را که خواجه در آثارش به نام‌های رشیدیه و رشیدآباد و اکثراً ربع‌رشیدی نامیده، می‌توان به سه قسمت اساسی ربع رشیدی (اصلی ترین قسمت مجتمع)، شهرستان رشیدی و ربض رشیدی تقسیم کرد (۹).

ربع رشیدی دارای دو دروازه بود، دروازه نخستین که درگاه بیرونی یعنی درگاه اول رشیدی بود (۱۱)، که آن را مفتح الابواب می‌نامیدند و بنابراین درگاه اول در سمت راست روضه قرار داشته و دو مؤذن که در اوقات صلوات مفروضات بر مناره‌ها که در درگاه ربع‌رشیدی ساخته شده بود، بانگ نماز می‌گفتند (۹). درگاه دیگر که بعداً ساخته شد باب الابواب نام داشت و در سمت چپ ربع قرار داشته است. رشیدالدین می‌گوید:

«باب الابواب، که پیش از این در باغ رشید آباد آنجا بود و از آنجا به جانب بالا خیابان بزرگ ربع رشیدی می‌آید» (۱۲).

ربع رشیدی و تاسیسات داخلی آن در واقع قسمتی از یک شهرستان بزرگ یعنی «شهرستان رشیدی» به شمار می‌رفته است. همچنین دارای قسمت جداگانه‌ای به اسم «ربض بالایی و ربض زیر» بوده است (۱۳). خواجه رشیدالدین خود طی نامه‌ای به فرزندش خواجه سعدالدین حاکم قنسرین می‌گوید: «طرح عمارت و تهیه اسباب ربع رشیدی که در زمان مفارقت آن فرزند صورت گرفته اکنون به میامن قدوم علماء و یمن همت فضلاء به اتمام پیوسته است» (۹).

آمار ابنیه و سکنه شهرک رشیدی شامل بیست و چهار کاروانسرا، هزار و پانصد دکان، سه هزارخانه به علاوه گرمابه‌ها، بوستانها، آسیاب ها، نخ ریسی، کاغذسازی، رنگرزی، ضرابخانه، بیمارستان، مدرسه، کتابخانه و دفتر سرپرستی بوده است. از هر شهری، گروهی قاریان، جمعاً دویست نفر، همواره در گنبد رشیدی اشتغال به تلاوت آیات قرآنی داشتند. چهارصد تن از راویان و محدثان، فقیهان و عالمان که در کوچه علماء اسکان داشتند و پنجاه تن از پزشکان و داروگران که از چین، هند، مصر، شام و جاهای دیگر فراخوانده و در آنجا اسکان داده شده بودند می‌بایست که هر یک به ده دانشجو درس دهند (۱۴). گروهی از صنعتکاران نیزکه تنها هفتاد نفر پشم باف از انطاکیه و روم بودند، بالجمله حقوق روزانه «مشاهره»[2] و مواجب سالانه برای ایشان مقرر نموده بودند و موقوفات بسیاری در سراسر آن شهر و نهاد و بنگاه‌هایش اختصاص داده بودند (۱۵). قسمت دوم، ابنیه و مکان‌هایی بود که محل خدمات عمومی و اداری تسهیلات و تجهیزات ربع‌رشیدی به شمار می‌رفتند که شامل سرای المتولی[3]، سرای مشرف، سرای ناظر، حمام و حوض‌خانه بودند. حجره‌ها و سرابستان در پشت گنبد مسجد و در داخل روضه بود و دهلیزی بزرگ به دروازه ربع رشیدی متصل بود (۹). ربع رشیدی یک شهرک دانشگاهی بود که تنها در «حی الطلبه»[4] آنجا (کوی دانشگاه یا دانشجویان) شش هزار طلبه از ممالک مختلف اسلامی ساکن و مشغول به تحصیل بودند. درهای این دانشگاه بزرگ، همواره بر روی محققان از دانش‌های گوناگون و فنون مختلف باز بود و به تحقیق و مطالعه در کتابخانه آنجا تشویق می‌شدند. کتابخانه مزبور بالغ بر شصت هزار مجلد کتاب در انواع علوم، تواریخ، اشعار و آداب و فنون به زبان‌های مختلف فارسی، عربی، ترکی، مغولی، چینی، هندی، رومی و یونانی داشته و افزون بر آن هزار نسخه نفیس از قرآن مجید به خطوط گوناگون، دست نوشته استادان خوشنویسی اعصار وجود داشت است (۱۶).

دارالمتولی

وظایف مدیریت ربع طبق اصولی که در وقفنامه مشخص و معین شده، یکی از درخشان‌ترین مباحث مدیریتی در وقفنامه رشیدی است. متولی، مدیر ربع رشیدی بود و رشیدالدین در زمان حیات، اداره آن را شخصا به عهده داشت و بنا به وصیت، پس از او فرزند ارشد یا یکی از فرزندان پسر او متولی ربع می‌شدند. سرای متولی کاملاً متصل به روضه ربع رشیدی و ورودی آن درست در محل درگاه اولین ربع رشیدی در جانب راست گشوده می شد (۹). دار المتولی متشکل بود از سرائی و حجره‌ای متصل به هم که دارالکتب و مخزن هر دو در آنجا قرار داشت (۹). بنابراین سرای متولی از یک سو به درگاه روضه وصل بوده و از سوی دیگر به دارالکتب که مجاور مرقد واقف، رشید الدین قرار بود، دلیل دیگر بر هم جواری سرای متولی با مرقد واقف توضیحی است که برای محل مخزن انبار مواد غذایی ربع رشیدی داده شده است.

مخزن عبارت از زیرزمینی در دارالمتولی بوده است که متولی مواد غذایی را در آن ذخیره می‌ساخت. این زیرزمین به زیرزمین مرقد واقف راه داشته و در عین حال مقابل حمام ربع رشیدی قرار داشته است و متولی چیزهایی که صلاح می دانست در آنجا می‌گذاشت و میوه و چیزهایی که در زمستان افسرده می‌گردید هم آنجا می‌نهاد[5] (۱۶). از سوی دیگر سرای متولی، همجوار بخش آموزشی دار الشفاء

۱. این اصطلاح معمولاً پس از نام افراد بزرگی که فوت کرده‌اند، ذکر می‌شود تا یاد آن‌ها گرامی داشته شود و برای آرامگاهشان طلب خیر و برکت شود

۲. حقوق ماهانه منظم (مشاهره) به همراه سایر مزایا، مقرری‌ها و پاداش‌های لازم

۳. المتولی فردی بود که مسئولیت نظارت و اجرای کامل مفاد وقف‌نامه را بر عهده داشت.

۴. سکونتگاه دانشجویان

۵. منظور برای جلوگیری از فساد وازبین رفتن میوه ها ومواد غذایی آنها را در زیرزمین نگهداری می کردند.

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-11-29]

[DOI: https://doi.org/10.22034/43.4.33]

یعنی رواق المرتبین[۶] بود. به طوری که دروازه رواق المرتبین با در سرای متولی در یک دهلیز، که همان دهلیز سردرگاه روضه است باز می‌شد. «ضمناً در شب‌ها نیز دهلیزخانه متولی و رواق المرتبین به وسیله یک قندیل مشترکاً روشن می‌شده و چاه خانه نیز آنجا بود» (۱۷).

دار المشرف

مشرف، یکی از مدیران ربع رشیدی است و کار دیوانی وقف یا اداری ربع با آن بود و به طور مجرد می‌توانسته است در ربع اقامت گزینند. سرای مشرف به دار الشفاء متصل بود، در حالی که در سرای متولی و در رواق المرتبین در یک جا گشوده می‌شد. بنابراین سرای مشرف نمی‌توانست همجوار کوچه روضه قرار گیرد. البته رشیدالدین در جای دیگر از کوچه‌ای نام می‌برد که بین سرای مشرف و رواق المرتبین مشترک است و ممر کوچه مشرف و رواق مشترکاً به وسیله یک چراغ روشن می شده است (۹). بنابراین سرای مشرف در جوار سرای متولی و رواق المرتبین و در جوار کوچه مشترک بین آنها قرار داشته و یک سمت آن نیز با باروی ربع متصل بوده است.

حجره های بالای داروخانه، نه حجره به اضافه دو حجره دیگر جهت متعلمان علم طب و حجره شرابدار (داروساز) داروخانه ی دارالشفاء بود که در بالای داروخانه ساخته شده بود (۱۵). مسکن اطبا در صورت تاهل، در محله صالحیه که از بهترین محله های شهرستان رشیدی محسوب می‌شد، قرار داشت. در جای دیگر درباره محل صالحیه آمده است: «محله‌ای است از محلات شهرستان رشیدی که به ربع رشیدی نزدیک است .... و جهت آن، نام آن محله، صالحیه نهاده شد که جماعت اهل صلاح که مجاوران و ملازمان ربع رشیدی باشند، خانه های ایشان در آنجا باشد و فاسقان را در آنجا راه و مدخل و مقام نباشد» (۳).

مسکن اطبا و متعلمین در سراها و حجره‌های مخصوص قرار داده شده بود. دوره تحصیل هر یک از محصلین طب پنج سال بود و پس از پنج سال اگر برای استاد محرز می‌گردید که آنها در علاج بیماران مهارت لازم را کسب کرده اند به آنها مجور طبابت داده می‌شد.

بیمارستان ربع رشیدی ونحوه اداره آن

دار الشفاء

دار الشفاء از عناصر اصلی ربع رشیدی بود. دارالشفا یا بیمارستان، بصورت یک واحد مجزا و مجهز در ربع رشیدی در حکم یک دانشکده پزشکی بود زیرا در آنجا هر پزشکی، علاوه بر مداوای بیماران، پنج تا ده دانشجو را تعلیم علم طب می‌داد. دارالطبیب نیز هم محل سکونت و هم محل تدریس دانشجویان پزشکی بود که این امر نشان می‌دهد که رشیدالدین بر وجه آموزشی از وظایف پزشک، تأکید بیشتر می‌ورزید (۹).

دارالشفا به منزله یک بیمارستان مجهز و بزرگ و محل تدریس علوم پزشکی و همچنین تهیه مواد مختلف دارویی بود و تمام امکانات در داخل آن تعبیه شده بود. شرابخانه و مخزن ادویه یعنی داروخانه هم در داخل آن بود و سرای طبیب و سرای مشرف ربع رشیدی نیز به آن متصل بود (۹). نحوه قرارگیری دارالشفاء نشان می‌دهد که ورود بیماران به آن از سمت درگاه و دروازه مفتح الابواب نیز بدون ورود به کوچه روضه امکان پذیر بوده است، همانطوری که برای ورود مسافران به داخل دارالضیافه برای صرف غذا، این امکان فراهم بود (۱۵).

پزشکان دارالشفای ربع رشیدی به دو دسته تمام وقت و نیمه وقت تقسیم می‌شدند. پزشکان تمام وقت در رشته‌های مختلف علم پزشکی شامل یک پزشک و یک پزشک‌یار امراض عمومی، یک نفر چشم‌پزشک (کحال)، یک یا چند نفر جراح و چند نفر پزشک شکسته‌بند (مجبر) بودند که اینان در استخدام رسمی ربع رشیدی بوده و حق کار در خارج و خروج بدون اجازه متولی از ربع را نداشتند (۱۸).

طبیب در موقع ویزیت بیماران می‌بایست در مقابل درب داروخانه یا به قول خود رشیدالدین، در مقابل شبکه (پنجره) بنشیند و بعد از معاینه بیماران داروهای مورد نظر را روی کاغذ نسخه نوشته و به مسئول داروخانه (خازن)، بدهد و خازن بهمراه شرابدار (دکتر داروساز) داروی مذکور را به بیمار بدهند (۱۷).

در ربع رشیدی هیچ‌گونه وجهی چه از مجاوران[۷] و مسافران و چه از بیماران دیگر دریافت نمی‌شد و معالجه کاملاً مجانی بود. حال آنکه داروها را با مخارج سنگینی از اقصی نقاط تهیه و در داروخانه و انبار بزرگ و مخصوص نگهداری می‌کردند. اگر بیماری از ساکنان ربع‌رشیدی نمی‌توانست به پای خود برای مداوا بیاید طبیب باید به عیادت او می‌رفت و حتی مسئول تهیه دارو یعنی شرابدار برایش دارو می‌برد. آشپز مخصوص بیمارستان، غذای تجویز شده از طرف طبیب را می‌پخت و برای بیمار می‌برد. در بیمارستان محل استراحت بیماران بستری شده به دو قسمت تقسیم می‌شد. قسمتی برای بیماران معمولی و قسمتی مخصوص بیمارانی که امراض واگیر داشتند و نیز بیمارستان چندین پرستار یا به قول خواجه رشید «خادم المرضی» داشته است (۱۷).

وظیفه طبیب سوای تعلیم این بود که باید تمام کسانی که در ربع رشیدی ساکن، مجاور یا مسافر و یا از کارکنان آنجا باشند و بیمار شوند را علاج کند (۹). از سوی دیگر دارالشفاء در مقابل خانقاه قرار داشته است. چنان که در داروخانه و در خانقاه مشترکاً در یک دهلیز یا ساباط (راهرو یا ایوان سرپوشیده) واقع بوده است (۹). "پرستار که نامش در این وقفنامه خادم المرضی است، باید که متدین و امین

۶. ایوان یا سرسرای مخصوص دارندگان حقوق ثابت

۷. همسایگان وهمجواران

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-11-29]

[DOI: https://doi.org/10.22034/43.4.33]

باشد و مشفق و از مسکرات اجتناب نماید و مدام ملازمت بیماران کنند، چنانکه متولی فرماید و طبیب صلاح بیند و خدمت بیماران هرچه بدان تعلق دارد و ایشان را گویند بجای آرند و به وقتی که سر و جامه ایشان باید شستن بشورند و ملازم ایشان باشند و هر خدمتی و مراعاتی که باید کردن بکنند" (۹).

داروخانه

مسئولیت داروخانه با «خازن» داروخانه بود و شرط آن بود که متدین باشد و کلید داروخانه و مخزن‌های دارو به دست او بود، لکن می‌بایست هنگام بازگشایی مخزن، دو معتمدی که از طرف متولی و مشرف نصب شده بودند به همراه یک طبیب، هر سه نظارت داشته باشند و پس ازپایان کار با نظارت این هیئت سه نفره داروخانه مهر و بسته می شد. هیچ‌کس حق ورود به داروخانه را نداشت. هرکس که دارویی می‌خواست به در شبکه (پنجره) می‌آمد و دارو با نظارت طبیب به او تحویل می‌شد (۱۶).

رشیدالدین در تعیین و توزیع مشعل‌ها برای روشنایی شب در ربع رشیدی، یک مشعل‌دار و نگهبان مشترک برای درگاه دهلیز داروخانه و درگاه دهلیز خانقاه تعیین نموده بود (۹). در جای دیگر نیز تصریح شده که حجره چشم پزشک (کحال) در ساباط خانقاه[۸] قرار داشت (۹). در داروخانه چندین نسخه پیچ (خازن) و یک دکتر داروساز (شرابدار) فعالیت می‌کرد و خمره‌هایی از دارو وجود داشت که روی هر کدام اسامی داروها و مواد اولیه آن را نوشته بودند و از نقاط مختلف، گل و گیاه که جهت تهیه مواد دارویی لازم بود و در تبریز موجود نبود به دستور خواجه رشیدالدین بذر آن آورده و کاشته می‌شد (۱۶). مسئول شرابدار داروخانه که با مسکرات نیز سروکار داشت می‌بایست متدین و امانت‌دار بوده و از مسکرات اجتناب می‌نمود و داروها را با حضور طبیب تهیه و ترکیب و با تجویز طبیب به بیماران می‌داد (۱۱).

از سوی دیگر بخش آموزشی دار الشفاء که دارالمرتبین نامیده می‌شد، هم جوار سرای متولی ربع رشیدی و همچنین هم جوار کوچه سرای مشرف قرار داشت. بررسی موقعیت سرای متولی و سرای مشرف این موقعیت را روشن‌تر می‌سازد. در وقفنامه، خواجه به صدها خمره بزرگی اشاره می‌کند که در هر کدام برای مصرف چند سال داروهای گوناگون ذخیره شده بود. نام هر دارو روی خمره نوشته شده و در انبار مخصوصی که در کنار دارالشفا بوده نگهداری می‌شده (۱۱). در مکاتیب رشیدی به داروخانه ربع رشیدی و انواع داروها از کشورهای مختلف به چند نامه بر می‌خوریم که از پسران و یا ایادی خود از نقاط مختلف، تقاضای ارسال داروهای مخصوصی را کرده است. مثلاً در نامه‌ای که در حقیقت یک حکم مأموریت است، شخصی به نام خواجه علاءالدین هندو را مأمور کرده که او مأمورانی را به نقاط مختلف داخل و خارج از کشور بفرستد تا داروهای خاصی را تهیه کند (۱۱). چنانکه فرضاً برای تهیه روغن‌های لازم بیمارستان نامه‌ای به خواجه علاء الدین هندو، نگاشته که قسمتی از آن چنین است:

«... معتمد خواجه علاء الدین هندو معلوم کند که مولانا فاضل کامل قدوه الحکام و زبده الاطباء محمد بن النیلی که جالینوس زمان و بوذر جمهر دوران است و در فنون علم معقول از افلاطون فزون ... در این وقت چنین نموده که به سبب قلت ادمان دارالشفاء ربع رشیدی فتور و نقصانی تمام دارد و چون اکثر ازهار و اغلب ریاحین و انوار که به حسن رائحه معروف و بطیب نکهت موصوف باشد در دارالسلطنهٔ تبریز مفقود است .... که هر سال بی عقده تعویض بوزنی که ما مقرر کرده ایم روغن های پسندیده گزیده به دارالسلطنه تبریز فرستند ....» (۱۱). در این نامه با عنوان خواجه علاءالدین هندو و بر اساس گزارش پزشک مسئول و متصدی بیمارستان «محمد النیلی» که در نامه از او به عنوان جالینوس دوران اسم برده شده، به انواع و اقسام روغن‌های معطر و داروهایی از قبیل افسنتین یا خاراگوش، کندر رومی، بابونه، روغن کرچک و روغن عقرب اشاره شده است. با توجه به اینکه این روغن‌ها باید از ممالک مختلف آورده شوند، فرمان داده که به منظور جلوگیری از بروز تأخیر برای هر یک از شش مکان مورد بحث، پیکی جداگانه اختصاص داده شود (۱۹).

پتروشفسکی در کتاب خود این جمله را نقل می‌کند: «از همه ممالک انواع درختان میوه دار و ریاحین و حبوبات که در تبریز نبود و هرگز در آنجا کس ندیده نهال و شاخ آن پیوند کردند و بذور آن بیاوردند و به تربیت آن مشغول شدند. تمام ولایات بعید از ممالک هند و ختای و غیره ایلچیان فرستاده تا تخم چیزهایی که مخصوص به آن ولایات است بیاورند». در این نامه‌ها، مقدار هر روغن از یک تا سیصد من به تفاوت ذکر شده و محل تهیه و مدارک آنها به طور دقیق معین می‌شد (۱۹).

دستمزد و حقوق طبیان مجتمع رشیدیه

علت علاقه رشیدالدین به این رشته از علوم (طب) آن بود که خود از اطبای معروف و مشهور در این فن بوده و گذشته از آن خانان مغول نیز علاقه شدیدی به علم طب داشته و او را تشویق و تحریص می‌کردند.

غیر از پزشکانی که بصورت تمام وقت در ربع رشیدی بودند و بدون اجازه متولی نمی توانستند از حضور خودداری کنند، پزشکان دیگری هم به ربع رشیدی آمد و رفت می‌کردند و در آنجا به تدریس علم طب و شاید طبابت بیماران می‌پرداختند. اکثر این اطبا از نقاط دوردست و یا از کشورهای بیگانه به تبریز آمده بودند و هر کدام از آنها ده نفر دانشجوی علم طب را تعلیم می‌دادند. در صورتی که پزشکان تمام وقت هر کدام فقط پنج دانشجو داشتند و محل سکونت آنان و خانواده شان نیز در محله‌ای مخصوص به نام کوچه معالجان بود و

۸. ساباط خانقاه به راهرو یا ایوان سرپوشیده‌ای اطلاق می‌شود که به قسمت خانقاه یا بخش‌های مرتبط با فعالیت‌های خانقاه در مجموعه ربع رشیدی متصل بوده است.

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-11-29]

[DOI: https://doi.org/10.22034/43.4.33]

حال آنکه پزشکان تمام‌وقت ربع‌رشیدی در محله صالحیه که مجاور ربع و یکی از بهترین محلات شهرستان رشیدی محسوب می‌شد، ساکن بودند. در داخل ربع‌رشیدی نیز اتاق مخصوص کار داشتند ولی پزشکان نیمه وقت در داخل ربع، اتاق کار نداشتند (۲۰).

خواجه رشیدالدین می‌نویسد:

"پنجاه طبیب حاذق که از دیار هند و چین و مصر و شام و دیگر ولایات آمده بودند همه را به صنوف و الوف رعایات مخصوص گردانیدیم. گفتیم که هر روز در دارالشفای ما متردد باشند و پیش هر طبیبی ده کس از طالب علمان مستعد نصب کردیم تا به این فن شریف مشغول گردند و کحالان و جراحان و مجبران که در دارالشفای ما لازم اند هر یکی را پنج نفر از غلامان خود ملازم گردانیدیم تا ایشان را صنعت کحالی و جراحی و مجبری بیاموزند و به جهت این طایفه، کوچه که در عقب دارالشفای ماست به قرب رشید آباد که آن را کوچه معالجان خوانند بنیاد فرمودیم و دیگر اهل صنایع و محترفه که از ممالک آورده هر یک را در کوچه ساکن گردانیدیم" (۱۶).

حقوق طبیب در ابتدا سالی سیصد دینار و بعدها در حاشیه، سالی یکصدوپنجاه دینار دیگر به آن اضافه شده و جمعاً به سالی چهارصد و پنجاه دینار نقد می‌رسیده است. از سهم هیأت مدیره که بگذریم، دستمزد طبیب از نظر کمیت در مرحله دوم بعد از دستمزد مدرس سایر علوم که سالی پانصد دینار و روزی ده من نان بوده قرار می‌گرفته است. بنابراین پزشکانی که علاوه بر طبابت، به تدریس هم اشتغال داشتند از دستمزد بالاتری برخوردار بودند. متعلمان (دانشجویان) علم طب نیز هر یک سالی سی دینار و روزی سه من نان، جراح و کحال (چشم پزشک)، هر یک سالی یکصد دینار و روزی پنج من نان دریافت می‌کردند. برای سایر کارکنان دارالشفاء نیز با شرح وظایف، دستمزد تعیین شده بود که با رفاه و فراغ بال به کار و کوشش و خدمت بپردازند و هرگز به فکر مال و منال و هزینه زندگی زن و فرزند نباشند (۲۰).

پرداخت دستمزدها با نظم و ترتیب خاصی انجام می‌گرفت. هر چند دستمزد و اجرت کارکنان به طور سالانه تعیین شده بود ولی پرداخت آن درست به شیوه امروز و به طور ماهانه بود. در هر صورت در پایان هر ماه حقوق و یا دستمزد هر یک از کارکنان را در کاغذ یا پاکتی پیچیده و با تشریفات خاصی به آنها می‌دادند. رشید الدین عواید منابع نامحدود در اختیار داشت و حومه او از حیث جلا و عظمت با آنچه غازان خان ساخته بود برابری می‌کرد (۷).

در تاریخ مبارک غازانی آمده است: «و چون همت همایون چنان اقتضاء کرد که از این خیرات و ابواب بیشتر اصناف خلق بهره‌مند باشند به موجب مشروح معین فرمود و در ممالک از آنچه شرعاً حق مطلق و ملک طلق او بود بر آن وقف کرده بر وجهی که هیچ طاعن را بر آن اعتراضی نتواند بود و تمامت مفتیان و ثقات و علمای معظم و قضات اسلام به صحت آن فتوا دادند و حکم کردند و فرمود تا هفت نسخه و قضیه بنویسند و جمله مسجل گردانند تا یکی در دست متولی باشد و یکی به کعبه شریف و یکی در دار القضاء دارالملک تبریز و یکی در دارالقضاء مدینه العلم بغداد و بنهند» (۲۱).

وقف اموال به بیمارستان ربع رشیدی

در تمام نقاط تابعه حکومت ایلخان، هر جا بیمارستان و دارالشفائی بود، مورد توجه رشیدالدین قرار می‌گرفت و برای بهبود وضع آن اقداماتی انجام می داد. چنانکه در باب فقیه محمود بن الیاس، نامه ای به حکام و نواب شیراز نوشته و او را برای اداره بیمارستان دروازه سلم شیراز معرفی و مأمور کرده بود. در آن نامه، دستور داده که تولیت اوقاف و اداره بیمارستان را بوی تفویض نموده است . همچنین دستور داده که عایدات املاک و اوقاف بیمارستان را طبق صورتی که ضمیمه‌ی نامه بوده در اختیار وی بگذارند. به همین ترتیب به داروخانه و دارالشفاهائی که در دیگر نقاط، موجود بوده و یا خود او ایجاد کرده، توجهی خاص مبذول می‌داشت.

این نوع دستورها و قوانین را در نامه‌های متعدد بسیاری به حکام و فرزندان دیگر خود در نقاط مختلف نیز داده است و نامه های خود را با اشعار و آیات قرآن و اخبار متناسب زینت نموده از جمله در باب ریاست گوید:

در اول جهان را حراست کند
که آن مملکت را کند بی‌نظام
غمش را مبدل کند با سرور (۲۲).

در نامه‌ای، در جواب مکتوب مولانا صدر الدین محمد ترکه، در خصوص املاک و اموال خود وصایایی نموده و در خصوص وقف بر ربع رشیدی و تهیه وسائل برای علما، طلاب، بیمارستان و غیره مطالبی به شرح زیر آورده است:

« اول املاک که در ربع مسکون خریده و عمارت کرده مجموع را بعضی وقف بر ذکور دون الاناث و بعضی بر اناث دون الذکور و بعضی بربقاع خیر و اولاد ذکورو بعضی بر بقاع خیر دون الاولاد کرده ام و بعضی به ملکیت فرزندان و بعضی به ملکیت به علماء اسلام داده ....».

در جایی دیگر از این نامه آورده است: «ولایات بوانات و هرات و مروک و سرجهان که وقف ربع‌رشیدی و مدرسه هرات است. ولایات شبانکاره و تبریز که وقف دو مدرسه شبانکاره است و تولیت آن به مولانا عضدالدین ایجی و فرزندان او تعلق دارد. یکصد فدان گرمسیرات شیراز پنج الف رأس وقف مدارس شبانکاره کرده‌ام ربع رشیدی و اولاد ذکور است. طبس الف رأس وقف ربع‌رشیدی و مسجد شش گلان است و در وقفیه کبیر که به خط عبدالملک حدادیست مثبت و مقرر شده که هر سال از حاصل این موقوفات هفتصد و چهل و هشت هزار من نان و سیصد و بیست هزار من

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-11-29]
[DOI: https://doi.org/10.22034/43.4.33]

گوشت به ارباب استحقاق و وظائف دهند و دیگر شرطها رفته که در دارالشفاء و دارالقرآن و دارالحدیث و دارالضیافه و غیره از بقاع خیرچه کنند انشاءالله که در محل قبول افتد ...» (۹).

«دیگر بیست هزار قطعه مرغ که به دست دهاقین و رعایا قراء مواضع تبریز و سلطانیه و همدان سپرده ام و وقف کرده ام بردار الشفاء ربع رشیدی و دار المرضاء سلطانیه و بیت الادویه تا نتایج آن را صرف بیمارستان کنند. دیگر هزار رأس گاونر و هزار رأس دراز گوش وقف کرده‌ام بر ربع رشیدی و بساتین تبریز ....».

«دیگر دو بیت الکتب که در جوار گنبد خود از یمین و یسار ساخته ام، از جمله هزار عدد مصحف در آنجا نهاده‌ام وقف کرده‌ام بر ربع رشیدی.

دیگر اثاثات و قنادیل و شمعدان‌ها و بسط و مساند و آلات طبخ و زیادی دارالضیافه و آلات دار الشفاء که ذکر و مفصل آن از حد بیرون است و اگر مفصل مجموع اثاثات ربع‌رشیدی بنویسم موجب ملال و کلال (۱۱). دیوار دیگری به دور حومه‌های مزبور که شامل همه باغ‌ها و ابنیه آنها و قریه‌های تپه ولیان و سنجان می‌شد همت گماشت اگر چه به علت فوت غازان خان دیوار مزبور تکمیل نشد ولی دیوار مزبور همه اینها را در بر می‌گرفت ..... سپس در بالای شهر و در کنار تپه ولیان و در داخل محوطه غازان‌خان، رشیدالدین وزیر حومه دیگری ساخت که به نام ربع رشیدی معروف گشت و در این محل قصری مجلل و ساختمان‌های بزرگ بنا کرد».

این متن نمایانگر وسعت فوق‌العاده املاک و دارایی‌های منقول است که خواجه رشیدالدین برای تأمین هزینه‌های عظیم ربع‌رشیدی و مدارس دیگر به ویژه در هرات و شبانکاره اختصاص داده است. همچنین، تأکید زیادی بر تعیین دقیق ذینفعان ذکور، اناث، بقاع خیر، فرزندان، علماء و تعیین متولیان خاص مانند عضدالدین ایجی برای بخش‌های مختلف وقف، به چشم می‌خورد. این امر پیچیدگی و دقت نظر او در تثبیت میراث خود را نشان می‌دهد. تصویری جامع از یک سیستم وقفی پیچیده، خودکفا و عظیم ارائه می‌دهد که نه تنها شامل املاک، بلکه شامل دام، کتاب، تجهیزات و زیرساخت‌های شهری برای خدمت‌رسانی طولانی‌مدت به علم و خیریه بوده است.

دانشجویان طب رشیدیه

رشیدالدین در ربع رشیدی بیمارستانی ساخت که دارای پنجاه طبیب بوده که از هند، چین، مصر و سوریه به تبریز آمده بودند و هر طبیب مسئول تربیت ده دانشجو بود. علاوه بر اطباء، در بین کارمندان بیمارستان، جراح ها و شکسته بندها وجود داشتند که هر کدام به نوبه خود پنج دانشجو را تعلیم می‌دادند. کلیه این اطباء و شاگردان ایشان در خیابانی جنب بیمارستان ساکن بودند و حقوق آنان به صورت نقدینه و جنسی پرداخت می‌شد (۲۳). دانشجویان هم می بایست، تنها در مدت پنج سال در ربع رشیدی به تحصیل علم طب اشتغال داشته باشند و بعد از این مدت باید دانشنامه خود را دریافت می‌کردند و در غیر این صورت این پنج سال هدر رفته و نمی‌توانستند به طبابت بپردازند.

دانشجویان می بایست در مواقع مداوای بیماران، بعدازظهرها و روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه دستیار طبیب باشند و به او کمک کنند. یعنی صبح‌ها به صورت تئوری و بعد از ظهرها به صورت عملی همراه طبیب آموزش می‌دیدند. به علاوه یک نفر «معید» یا پزشکیار هم همیشه همراه طبیب بود که او را چه در امر تدریس و چه در مداوای بیماران و تهیه داروها کمک می‌کرده است (۹).

هر طبیب نیمه وقت، ده دانشجو داشته پس جمعاً پانصد نفر دانشجوی علم پزشکی غیر از آنانی که در خود ربع تعلیم می‌دیدند به وسیله این پزشکان به تحصیل اشتغال داشتند. محل سکونت و میزان حقوق طبیبان و استادان و استادیاران بعد از حقوق سه مقام ارشد ربع رشیدی یعنی متولی، مشرف و ناظر قرار داشت. زیرا اینان که به امور فکری و نظری اشتغال داشتند باید از رفاه بیشتری برخوردار می‌بودند که این مسأله بسیار با اهمیت بود و هوشیاری و آگاهی این وزیر سیاستمدار و طبیب دانشمند را در مسائل مدیریت و رهبری آشکار می‌ساخت (۲۴).

نگهداری دانشجویان در ربع رشیدی به صورت شبانه‌روزی (پانسیون) و تأمین کلیه مایحتاج رفاهی آنها اعم از غذا، پوشاک، مسکن، بهداشت، حمام و امور درمانی همه رایگان بود. در دارالشفای ربع رشیدی طبق وقفنامه، اطبایی که به خدمت دارالشفا مأمور می‌شدند می‌بایست هر کدام نوبت مجزا و کشیک داشته باشند تا همیشه یک نفر طبیب با شاگرد و داروساز در طول شبانه روز در سر کار حاضر بوده و هر طبیبی باید به دو دانشجو (متعلم)، درس طب و داروسازی می‌آموخت. رشیدالدین به اندازه‌ای به اداره این بیمارستان، تامین وسائل و تجهیزات، معالجهٔ بیماران و تعلیم دانشجویان علاقه‌مند بود که جهت تهیه لوازم مورد نظر از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کرد (۹).

مطبخ های بیمارستان

مطبخ دارالشفاء جدای از مطبخ دارالضیافه، دارای آشپز ویژه ای بود تا غذای بیماران را آماده سازد (۹). علی الرسوم غذا و دارو را برای بیماران در محل سکونت یا اقامت آنها در منازل یا در دارالضیافه و اگر مهمان عالی‌قدر بود در حجره‌های بالای درگاه بیرونی ربع رشیدی می‌بردند و ایشان را در همانجا پرستاری می‌کردند (۹).

تامین آب گرمابه و بهداشت رشیدیه

خواجه رشیدالدین با احداث قنوات متعدد و وقف آنها به منظور تأمین آب آشامیدنی و حمام و سایر نیازهای اهالی، آن هم به طریق بهداشتی و لوله‌کشی در جاهای مورد نیاز اقدامات مفصلی انجام داد و دستورات لازم را در وقف نامه داده است (۹). در ربع رشیدی تعدادی سقایه (سقاخانه) وجود داشت. نحوه تخصیص سقاخانه برای

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-11-29]

[DOI: https://doi.org/10.22034/43.4.33]



شکل ۱. تامین آب برای بهداشت (۲۵)



شکل ۲. انشعابات آبی (۲۶)

روضه دارالمصحف خانقاه، دار الشفاء و دار الضیافه نشان می‌دهد که این سقایه‌ها همگی در طول محور کوچه روضه بین دروازه مفتح الابواب تا درگاه اولین رشیدی یعنی درگاه سمت راست روضه قرار داشتند (۹).

خواجه رشیدالدین در الوقفیه الرشیدیه نوشته است: "گذرهای آب (ممر)[۹] و سلطانی وایسر[۱۰] برای انشعابات آب (حقابه)[۱۱] برای حمام ها، سقایه‌ها، گازرگاه‌ها و باغات بوده است و در میان این کهریزها آن که به ربع‌رشیدی می‌رفته، کهریز رشیدآباد بوده است. کوه سرخاب ممر کهریز معروف به پهلوان سعیدآباد بود که داخل شهرستان و منبع آن در باغ رشید آباد بود".

شرط کهریزها این‌گونه بنا نهاده شده بود که کسی از گذر اصلی، به خانه‌ها، کوچه‌ها و باغچه‌ها انشعابی وصل نکند، به جز قسمتی از آن که در بالای شهر برای حمام احتیاج داشتند که به لوله مشخصی متصل و مستقیم به آن جا می‌رفته و غیر از آن کسی حق تصرف نداشته است. در محله ششگلان برای حمام رشیدی به قدر نیاز از این مجرا آب می‌کشیدند (۲۷). حقابه نیز از این آب‌ها بود که ابتدا به سقاخانه روبروی مسجد جامع رشیدی می‌رفت و از آن جا به لوله هایی که جهت سقاخانه ساخته بودند، وارد می شد و البته کسی نباید در آن چیزی می‌شست و نباید تصرفی می‌کرد به جز آن که با کوزه از آن جا آب بردارند. گذر معین نیز که به شهر می‌رفت در میان راه هر جا که سقاخانه‌ای ساخته شده بود از آن می‌گذشت. در محل های مشخص، با کوزه آب می‌کشیدند و در سبوها می‌ریختند (۲۸)، تا چهارپایان سیراب شوند.کسی حق نداشت چیزی در سقاخانه ها بشوید و همچنین اجازه نداشتند که از گذر آب سوراخی به وجود آورند تا به خانه‌ها یا حوض‌خانه‌ها برود، چون موجب آلودگی آب می‌شد (۲۷).

گرمابه ایلخانی رشیدیه در جنوب شرقی کاوشگاه ربع رشیدی، بنایی با مساحت حدود صدمتر مربع در ژرفای پنج‌متر نسبت به نقطه ثابت کاوشگاه با معماری سنگی و آجری و سه ساختار شبیه حوضچه آب است که بر گرمابه بودن این بنا حکایت دارد (۲۶). دوحلقه چاه پر شده در نزدیکی گرمابه را نزدیک‌ترین منبع آب برای گرمابه می‌دانند. سه حوضچه هم در سال ۱۳۸۶ خاک‌برداری و آشکار شده است. در تاریخ الجایتو نوشته شده است که آب ربع رشیدی از کوهستان شمالی سرخاب تامین می‌شد (۲۱) و انتقال آب سرخاب از طریق شبکه قنات و آبروها به گرمابه رشیدیه صورت می‌گرفت (۲۵). خواجه رشیدالدین در وقف نامه تاکید دارد که چرکاب نباید وارد رودخانه و آب‌های پاک شود (۹). البته نشانه‌های باستان شناختی و معماری شبکه تخلیه فاضلاب هنوز در اینجا دیده نشده است (۲۵) (شکل ۱و۲).

تاثیر چین بر اقدامات پزشکی خواجه رشیدالدین

خواجه رشیدالدین فضل الله در برخی از آثار خود از تألیفات خویش در زمینه چین شناسی نام برده است. مفصل‌ترین فهرست آثار خواجه رشیدالدین در چین‌شناسی در مقدمه تانکسوق‌نامه به صورت کتابشناسی تحلیلی آمده است (۱۶). علاوه بر آن از چند اشاره درمتن بخش تاریخ چین از جامع التواریخ بر می‌آید که اطلس جغرافیایی چین یا صور الاقالیم چین به اصطلاح قدیم نیز توسط خواجه تهیه شده بود. در بخش‌هایی از کتاب آثار و احیاء نیز به کشاورزی و فرآورده‌ها و تولیدات کشاورزی چین مانند چای و گیاهان داروئی پرداخته است (۲۹). تانکسوق (تانسوق، تنسوخ) واژه‌ای مغولی به معنی ارمغان نفیس و نایاب است و در دوره مغول دو دانش‌نامه نوشته شده که هر دو با همین عنوان است. تنسوخ نامه ایلخانی تألیف خواجه نصیر الدین طوسی که دانش نامه ای در گوهرشناسی

۹. مسیر، مجرا یا کانال آب

۱۰. اشاره به یک مجرای اصلی یا مهم دارد که مستقیماً توسط مقامات دولتی (سلطان/حاکم) تأمین یا تأیید شده است و اهمیت بالایی داشته است.

۱۱. به معنای سهمیه یا حق استفاده از آب است. وایسرمی‌تواند نام یک مجرای خاص، یا اشاره به یک نوع خاصی از انشعاب یا محلی در مسیر آب‌رسانی باشد. مربوط به تضمین جریان آب کافی و پایدار برای گرم کردن و استفاده از حمام‌ها در مجموعه ربع رشیدی است. خواجه رشیدالدین اطمینان حاصل کرده است که مسیرهای اصلی آب که از اهمیت دولتی برخوردار بوده‌اند به طور مشخص برای تأمین نیازهای بهداشتی حمام‌ها اختصاص یابد و این حق استفاده از آب، به عنوان یک وقف شرعی تثبیت شده است.

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-11-29]

[DOI: https://doi.org/10.22034/43.4.33]

و شناخت مواد آلی است (۳۰). تانکسوق نامه خواجه رشیدالدین، دانش نامه‌ای در پزشکی و گیاه‌شناسی چینی و آداب کشورداری و نظام حکومت در چین است و ارتباط و تناسب این موضوعات ظاهراً متفاوت با یک دیگر می‌باشد (۱۶). آنچه به نام تنکسوق نامه یا طب اهل ختا چاپ یا ترجمه شده، تصور می‌شود که در حقیقت فقط شامل مقدمه این دانشنامه بزرگ و بخش نبض شناسی یا رگ شناسی از میان بخش‌های متعدد پزشکی و گیاه‌شناسی آن است. بقیه قسمت‌های تنکسوق نامه تاکنون به دست نیامده است. در مقدمه کتاب تنکسوق نامه یا طب اهل ختا، خواجه رشیدالدین اشاره می‌کند که برای ترجمه کتب پزشکی چینی از سه دانشمند ایرانی و چینی استفاده کرده است. یکی حکیم ختایی به نام سینوسه، دوم کلمچی مترجم ایرانی مسلط به زبان چینی که پدرش طبیب ایرانی بود و سال‌ها پیش به چین رفته بود و آن فرزند در چین به دنیا آمده و زبان و خط ختای چینی را از چینیان آموخته بود و سوم دانشمندی ایرانی به نام صفی الدین که خواجه رشیدالدین او را به فراگرفتن زبان چینی گماشت تا به او در ترجمه کتاب‌های چینی کمک نماید (۱۶). خواجه رشیدالدین اشاره کرده است: این کتاب که او را تانکسوق نامه ایلخان در فنون علوم ختائی نام نهادیم شامل چهارکتاب است (۳۱). کتاب اول درباره علم طب و نبض شناسی ختایی است که از کتابی چینی به نام موچونه Mai Jing کتاب نبض، منسوب به وانگ شوهه، Wang Shuhe طبیب نامدار چینی بین سده‌های سوم الی پنجم میلادی ترجمه شده است. این کتاب همان قسمتی است که به عنوان تنکسوق نامه یا طب اهل ختا چاپ و از متن فارسی به بعضی از زبان‌ها ترجمه شده است (۳۲). جوزف نیدهام در کتاب معروف خود به نام" علم و تمدن در چین" ضمن چاپ تصویر چند صفحه از متن فارسی کتاب، به معرفی تحقیقاتی که درباره تنکسوق نامه شده و ترجمه آن به ترکی از روی متن فارسی توسط گلپینارلی پرداخته است (۳۱). کتاب دوم در تشریح عروق دوازده گانه و کیفیت سیر و عبور خون در بدن و آغاز و انجام آن و چگونگی داغ کردن و میل زدن در امراض است که ظاهراً مربوط طب‌سوزنی و سنتی چینی است (۱۶).

کتاب سوم شامل یک مقاله و دو مجلد است و بیشتر جنبه ی ادبی و علمی ترکیب ادویه و داروشناسی دارد، در حالیکه کتاب چهارم جنبه سیاسی و حقوقی، قوانین، جایگاه امرا و سیاست‌های اجتماعی را بررسی می‌کند، این سیاست‌ها و قوانین، در تدبیر ملک، شباهت‌هایی با سنت ایران داشته‌اند. خواجه رشیدالدین به عنوان نخستین چین شناس بزرگ جهان قدیم که بهترین معرف فرهنگ و تمدن چین و عامل مهمی در احیاء و استمرار همبستگی باستانی و روابط فرهنگی و دوستی بین دو تمدن کهن جهان یعنی چین و ایران بود، شناخته می‌شود (۳۳).

ترویج پزشکی چینی

در بیمارستان دارالشفا ربع‌رشیدی و همچنین در سایر بیمارستان‌های وابسته به تشکیلات علمی خواجه رشیدالدین، تعدادی پزشک چینی بکار گماشته شده بود و از آنجا که ربع‌رشیدی سازمانی علمی و آموزشی بود، پزشکان فقط به امور درمانی نمی‌پرداختند و چنانکه خود خواجه تأکید کرده است، استادان در بیمارستان‌ها به تعلیم و آموزش علمی دانشجویان نیز اشتغال داشتند. بدین ترتیب پزشکی چینی به عنوان یکی از دانش های پیشرفته پزشکی در ربع رشیدی به صورت عملی و نظری آموزش داده می‌شد. کتاب وانگ شوهه Wang Shuhe به احتمال زیاد از درسنامه های پزشکی چینی در ربع رشیدی بوده است.

تحصیل و تدریس پزشکی چینی، مستلزم آموختن زبان چینی بود. خواجه در مقدمه تنکسوق نامه به کوشش و توجهی که نسبت به آموزش زبان چینی و تربیت ایرانیان مسلط به زبان چینی داشته، اشاره کرده است (۱۶).

درباره دعوت از پزشکان خارجی از جمله چینی و استخدام آنان در ربع رشیدی و بیمارستان‌های وابسته، خواجه رشیدالدین در نامه‌ای به فرزند خود می نویسد: «پنجاه طبیب حاذق که از دیار هند، چین، مصر و شام و دیگر ولایات آمده بودند، همه را به صنوف عنایات والوف رعایات مخصوص گردانیدیم و گفتیم که هر روز در دالشفاء ما متردد باشند و پیش هر طبیبی دو کس از طالب علمان مستعد، نصب کردیم تا به این فن شریف مشغول گردند" (۱۶).

داروسازی و داروهای چینی

تدریس و ترویج پزشکی چینی مستلزم استفاده از داروهای چینی بود. علاوه بر ساخت داروهای چینی در کارگاه‌های داروسازی وابسته به بیمارستان‌ها برخی از داروهای خاص چینی مستقیماً از چین وارد می‌شد (۱۷). در یکی از نامه‌های خواجه رشیدالدین فضل الله اشاره ای قابل توجه به وارد کردن معجون‌ها و شربت‌های طبی از چین و طرز نگهداری آنها در انبارهای دارویی ربع رشیدی دیده می‌شود (۱۸).

در دوره یوان Yuan، ارتباط پزشکی میان چین و ایران افزایش یافته است. در کتابخانه ملی چین در پکن، یگانه دستنویس ترجمه چینی مجموعه‌ای از نسخه‌ها و روش‌های درمانی پزشکان مسلمان به نام Huihui Yaofang نگهداری می‌شود (۳۴). چنانکه در بررسی نامه نسخه‌های خطی اسلامی در چین آمده، مطالب این کتاب از نسخه ها و متون پزشکی فارسی و عربی به زبان چینی ترجمه شده و در پایان آن واژه‌نامه‌ای شامل نام گیاهان داروئی به فارسی و عربی و با معادل چینی آنها افزوده شده است (۹). لاوفر در مجموعه‌ی اثر خود بنام Sino-Iranica، تاریخچه و نام بسیاری از گیاهان و مواد داروئی

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-11-29]

[DOI: https://doi.org/10.22034/43.4.33]

را که از چین به ایران یا از ایران به چین رفته است را آورده است (۳۵). در کتابخانه ربع رشیدی کتاب‌های خارجی از جمله کتاب‌های چینی نگهداری می‌شد. خواجه رشیدالدین در این مورد نوشته است: "شصت هزار مجلد کتب در انواع علوم و تواریخ و اشعار و حکایات و غیره که از ممالک ایران و توران، مصر و مغرب و روم و چین و هند جمع کرده‌ام همه را وقف گردانیده‌ام بر ربع رشیدی ..." (۳۵). گردآوری کتاب‌های چینی در کتابخانه ربع رشیدی نشان می‌دهد که در ربع رشیدی دانشمندان و پژوهندگان مسلط بر زبان چینی حضور داشتند که مطالعه این گونه کتاب‌های تخصصی به زبان اصلی برای آنان امکان پذیر بوده است.

نتیجه‌گیری

خواجه رشید الدین، لایق‌ترین وزیر عصر ایلخانیان و برجسته ترین پزشک و بزرگترین مورخ و ادیب زمان خود می‌باشد. البته طبابت شغل دوم خواجه بود که در این زمینه هم مهارت ویژه‌ای داشت. موسسه رشیدیه، بنیاد خیریه‌ای بود که در نوع خود بی‌نظیر بود. رشید الدین در وقف نامه در زمینه پزشکی و طبیبان ربع رشیدی نکات بسیار جالبی در باره تاثیر پزشکی چینی، داروسازی، داروخانه، تعیین محل سکونت پزشکان و مسائل رفاهی آنها آورده است. در بیمارستان ربع رشیدی، گروه زیادی، پزشک، چشم پزشک، جراح، شکسته‌بند و داروساز خدمت می‌کردند و هر پزشک مسئولیت تعلیم دانشجویان را نیز به عهده داشت. پزشکان حاذق از اقصی نقاط دنیا به بیمارستان رشیدیه دعوت و از آنها استفاده می‌کردند. به سبب تسلط بر زبان های مغولی، فارسی، ترکی و چینی از طبیبان سایر کشورها بهره می‌جست و دارو و روغن های طبی را نیز از ایالات مختلف درخواست می‌کرد. شیوه تعلیم طبابت در این محل تا آن زمان در جایی سابقه نداشت و برای اولین بار بصورت یک سیستم سازمان یافته همانند آنچه که امروزه در دانشکده‌های پزشکی، معمول است، اداره می‌گردید.

ملاحظات اخلاقی

این مطالعه در کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز با کد IR.IAU.TABRIZ.REC.۱۴۰۴.۱۸۴ مورد تصویب قرار گرفت.

منابع

1. Ibn al-Futi, Kamal al-Din Abu al-Fazl Abd al-Razzagh ibn Taj al-Din.Talkhis Majma al-Adab fi Mojam al-Alghab, edited by Dr. Mostafa Jawad, Damascus, Published by the Ministry of Culture and Guidance. 1965; 1, 720-5.

2. Abu Al-Falah 'Abd Al-Hayy Ibn Ahmad Ibn Al-'Imad. Shadharat al-Dhahab fi Akhbar man Dhahab, Abdul Qadir Arnawut, Beirut, Dar Ibn Kathir publishing house. 1985; 6: 44.

3. Al-Sayyad, Fouad Abdel Muti, The Mongols in History, Dar Al Nahdha Al Arabiya, Beirut. 1970: 21, 238.

4. Shirazi, Abdi Beig. The Gardens of Eden, Tehran, Sokhan Publishing House. 2016; 113.

5. Kashani, Abul-Qasim Abdullah bin Muhammad. History of the Oljaito, edited by Mahin Hambali, Tehran: Book Translation and Publishing Company. 1969; 179.

6. Ayati AA. Tahrir Tarikh Wassaf. Prepared by Abd al-Mohammad Ayati, Tehran: Research Institute of Humanities, Third Edition. Vol. 3, p303, p65. [in Farsi]

7. Ibn Fadl Allah al-'Umari, Ahmad ibn Yahya. Masalik al-Absar fi Mamalik al-Amsar, Published by Al-Majma Al-Thaqafi. p143,231

8. Hamedani, Rashid al-Din Fadlallah. Rabe Rashidi Endowment, edited by Mojtaba Minovi and Iraj Afshar, National Works of Iran Publications, Tehran. 1977; 37, 56,42.

9. Mostofi Hamdollah. Nuzhat al-Qulub, edited by Mohammad Dabirsiyaghi, Tahori Printing House, Tehran. 1953; 45,76,160,168,128,168,43,43,175,43,145,146,189,231,189,183,165,44,210,147, 118,205-206.

10. Nader Mirza. Dar al-Saltaneh Tabriz, edited by Sepehr Abdol-Hossein, Tehran, Iqbal Publishing House. 1944; 123.

11. Hamadani, Khwaja Rashiduddin. Rashidi's correspondence, compiled by Maulana Muhammad Basi and the efforts of Shafi Muhammad, Lahore. 1964; 184,230,147,182,320,237.

12. Hamedani, Khwaja Rashid al-Din. Tanksugh nameh or Khitan people Medicine, Tehran University Press. 1977; 168.

13. Samarqandi Poet, Sultan Mohammad. Tazkirah al-Shoara, edited by Ali Rafiei, Tehran, Center for the Study of Written Heritage. 2003; 241.

14. Momeni, Mustafa. (1993): Geography of the Worldview of the Rashidi Endowment Book of Khwaja Rashid al-Din Fazlullah, Founder of Endowment Communities, Part 1, Endowment Magazine of Immortal Heritage. 1993; 3(1): 56.

15. Nakhjavani, Hossein. Rabe Rashidi, forty articles, by Khadem Hashemi Nasab Yousef, Khorshid Printing House, Tabriz. 1964; 23,32

16. Hamedani, Khwaja Rashid al-Din. Tanksugh nameh or Khitan people Medicine, Tehran University Press. 1977; 317-321,195,194,43,54,320,21,79-81,23.

17. Hamedani, Rashid al-Din Fazlallah. Biography of Rashidi's Thoughts, by Mohammad Taghi Danesh-Pajouh, Central Library of the University of Tehran. 1979; 167,168,289,290

18. Hamedani, Rashid al-Din Fazlallah. Collection of research about Rashid al-Din Fazlallah Hamedani, 11-19 November 1969, University of Tehran. 1972; 45.

19. Petroshevsky, Ilya Pavlovich. Agriculture and Land Relations in Modern Iran, translated by Karim Keshavarz, Tehran, Tehran University Press. 1965; 34.

20. Elgood, Cyril. Medical History of Persia and the Eastern Caliphate lands. Translated by Forghani, Baher. Amir Kabir Publications, Tehran. 1977; 45

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-11-29]

[DOI: https://doi.org/10.22034/43.4.33]

21. Kashani, Abulqasem Abdullah bin Mohammad. Tarikh Oljaito edited by Mahin Hambali, Tehran, Scientific and Cultural Publications. 2004; 215,116,325.

22. Samarqandi Poet, Sultan Mohammad. Tazkirah al-Shoara, edited by Ali Rafiei, Tehran, Center for the Study of Written Heritage. 2003; 87.

23. Shehadeh, Abdul Karim. History of Arabic Islamic Medicine, translated by Mohammad Attar and Fatemeh Ashrafzadeh, Tehran, Novin Pajouh Sina Publishing House. 2018; 45.

24. Broushki, Mohammad Mehdi. A study of the administrative and educational methods of Rabe Rashidi, Tehran, Astan Quds Razavi Publications. 1986; 78.

25. Roshan M, Ajorloo B. The Analytical Revisiting of the Structure Known as Ilkhanid Bathhouse in Rab'e Rashidi, Tabriz. Bagh-e Nazar. 2019 Feb 1;15(68) 7-12.

26. Roohangiz, Laleh. Report on the third season of archaeological excavations of the Rabe-e-Rashidi site, Archives of the General Department of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of East Azerbaijan, Iran. 2007.

27. Jamshidi Gholdori N, Ajorloo B. An Introduction to the Hypothesis of SOQĀYA of Rab- e Rashidi. JACO, 2023; 11(41): 6-15.

28. Omidiani, Seyyed Hossein. Endowment and charity in ancient Iran." Journal of Endowment and Eternal Heritage, 1995; no. 9: 233–261.

29. Yousefi, Gholam Hossein, Bastani Parizi, Mohammad Ebrahim, Afshar Iraj. Memoirs of Habib Yaghmaei, Toos Publications. 1977; 148: 45.

30. Sotoudeh, Manouchehr, Afshar, Iraj, Fazllahi, Seifollah. Works and Revival, Tehran, University of Tehran. 1999; 31-9.

31. Needham, J. Science and Civilization in China, Cambridge University Press. 1954; 218.

32. Pierre Howard, Ming Wang. Chinese Medicine, translated by Farrokh Shadan, Tehran, Scientific and Cultural Publishing Company. 1936; 98-9.

33. Levi Habib. History of the Jews of Iran, Netzer Amnon, Selected Persian Poems from the Works of the Jews of Iran, Brokheim Publishing. 1934; 1:67-8.

34. Bakhtyar, M. "China". In: Geoffrey Roper (ed.), World Survey of Islamic Manuscripts (Vol. 4). London: Al-Furqān Islamic Heritage. 1994

35. Mehri, F. Berthold Laufer and Persian Language: A Study on the Sino-Iranica Collection Journal of History of Literature, No. 87, Fall/Winter, pp. 267-287.

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-11-29]

[DOI: https://doi.org/10.22034/43.4.33]